



عامه‌ی این دیار، خواننده را به جوهر و ماهیت سرفصل‌های رساله و مطالب پیوست توجه می‌دهد،

پاره‌های پژوهش میدانی و مقاله‌های ضمیمه همگی بر این نکته دلالت می‌کند که: آن چه خویشکاری رموز و گستره‌ی فرهنگ عامه مردمان ایران زمین را قابل بررسی همه سویه و قانون‌مند می‌کند، همانا کارکرد اساطیری آیینی، و انگاره‌های نمادی و تمثیلی دوره به دوره‌ی آن است.

نویسنده در پیشگفتار کتاب آورده است: «رساله پژوهش عمومی فرهنگ عامه خراسان پس از گفت‌وگو و صحبت‌های بسیار، که با خود و نوشته‌های خود داشتم، سر از حوزه «فرهنگ عامه» درآورد، آن هم در وجهی که هم به کار میدانی دیگران چشم داشتم، و هم بی‌بهره از نوشته‌های چاپ شده‌شان نماندم. اما در وجه «نظر» و «نظریه» چنان که در متن و طرح قضایا دیده می‌شود؛ بالاخره خودم را خلاص کردم، و با زبان بی‌زبانی آن چه در حوزه مادی مردم‌شناسی قرار نمی‌گیرد، ولاجرم مبحث اسطوره‌ها را هم شامل می‌شود، در ساخت «فرهنگ عامه» جا دادم! و دیگر این که داد سخن برنیاوردیم، که بگوید «پراپ» روسی، لوی استروس فرانسوی، تایلور انگلیسی، داندی آمریکایی، «مکتب فنلاند» و... چه گفته و چه دنبال کرده‌اند، و یا خودی‌ها چه گفته و چه انجام داده‌اند.»

اثر حاضر، خراسان را الگوی کار قرار داده، اما حذف نام خراسان نیز، از عنوان پژوهش عمومی فرهنگ عامه به گفته نویسنده، به جهت کار میدانی و باور راهکاری چیزی کم نمی‌کند و به زعم او، پژوهشگر رهرو و ردیاب را، بر متن حاضر درنگ خواهد داد.

○ پژوهش عمومی فرهنگ عامه
○ محسن میهن دوست
○ انتشارات توس، ۱۳۸۰، ۱۹۲ ص، ۱۱۸۰

تومان

در تعریف فرهنگ عامه ضروری است ابتدا تکلیف عامیانه روشن شود. عامیانه یعنی کورانه، و ما مردمی هستیم که همواره باورهای اسطوره‌ای و مذهبی ما بر همه چیز غلبه دارد و می‌توان گفت همه چیزمان عامیانه است. وقتی از فرهنگ عامه سخن می‌گوییم، می‌توانیم مرز آن را با عامیانه مشخص کنیم، یعنی اینکه در رابطه با فرهنگ عمومی قرار می‌گیرد، چرا که تفکرات ایرانیان شباهتی با تفکرات یونانی ندارد.

خراسان بزرگ قبل از تهاجم وحشیانه مغول‌ها همه چیز بود، اما پس از حمله‌ی مغول‌ها حافظه، فردوسی، خیام داریم. بدنه‌ی تفکر حافظ، بدنه‌ای است که عامه‌ی مردم در طول تاریخ داشته‌اند.

آنچه غربی‌ها از آن تعبیر به فرهنگ عامه دارند، تنها بخشی از فرهنگ عامه یعنی سنت، آداب و برخی از مناسک است. اما در ایران فرهنگ عامه حوزه گسترده‌تری دارد. در ایران صحبت از باورداشت‌ها و معتقدات است. اعتقاداتی که رنگارنگ و ابدی است، رنگارنگی که در اسطوره‌های ما ذهنی و تمثیلی است.

هر پژوهشگری که کار میدانی انجام می‌دهد، خواهد دید که فلسفه‌ی حیات به سادگی و بسیار قوی در بستر فرهنگ عامه و در بستر آداب و رسوم، به طور مشخصی با زندگی سروکار دارد. این سؤال همواره مطرح بوده که چرا از فردوسی تا عطار برای مثل و تمثیل و روایت به طرف فرهنگ عامه رفته‌اند. آنچه فردوسی ارائه داده، فرهنگ عمومی است، فرهنگ عمومی‌ای که در بستر اسطوره‌ها حرکت می‌کند. نماد و تمثیل‌سازی نیز روی الگوهای بومی است.

«پژوهش عمومی فرهنگ عامه»، «از پاییزها»، «سمندر چهل گیس»، «کله فریاد»، «اوسنه‌های عاشقی»، «نه کلید»، «باکره‌های پریزاد»، «سنت شکن»، «گفتاری از سیاووش شاهنامه» و... بخشی از آثار محسن میهن‌دوست، پژوهشگر حوزه فرهنگ عمومی، اسطوره‌شناسی و ادبیات شفاهی است.

اثر حاضر همان طور که از نام کتاب برمی‌آید بیانگر ویژگی‌ها و خصوصیات فرهنگ عامه‌ی ایران است. نویسنده با بیان نکاتی چند در کتاب از جمله رد اصطلاح فولکلور برای تمامیت فرهنگی